



به قلم استاد

حضرت آیت‌الله جوادی آملی (حفظه الله تعالی)

● چرا خطاب‌های قرآنی همه جا با مردان

است؟

در فرهنگ محاوره، کلمهٔ مردم اختصاص به مردان ندارد، گاه می‌گویند مردان، گاه می‌گویند زنان، گاه می‌گویند مردم. مردم یعنی همهٔ افراد جامعه، اعم از زن و مرد. اگر گفتند مردان، این در مقابل زنان است و اگر گفتند زنان، این در مقابل مردان است.

در فرهنگ محاوره در غرب و شرق عالم می‌گویند مردم این چنین‌اند، مردم انقلاب کردند، مبارزه کردند و... وقتی می‌گویند مردم، اختصاصی به مردان ندارد. قرآن کریم هم سه‌گونه سخن می‌گوید: گاهی که خطاب به عموم جامعه است به مذکر اشاره دارد مثل «الذین» و «الْمُؤْمِنُونَ». گاهی که تعبیر به «رجال» دارد، وظیفهٔ اختصاصی مردان را ذکر می‌کند. گاهی هم تعبیر به «نساء» دارد که وظیفهٔ اختصاصی زن‌ها را بیان می‌کند.

فرهنگ محاوره، فرهنگ مردم است نه مردان و قرآن کریم هم براساس همین فرهنگ محاوره سخن می‌گوید. گاهی ذات اقدس اله می‌فرماید. مریم (ع) نمونهٔ مردم خوب است، یا آسیه نمونهٔ مردم خوب است: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (البروج / ۱۱).

در مورد زن نوح و لوط هم فرمود اینها نمونهٔ مردم بد هستند: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ» (التحریم/ ۱۰). ائمه (ع) نمونهٔ مردم خوب‌اند و همهٔ افراد جامعه، چه زن و چه مرد، باید به آن‌ها اقتدا کنند. فاطمه زهرا - سلام‌الله علیها- هم این چنین است،

نمونهٔ مردم خوب است، نه نمونهٔ زنان خوب. ذات اقدس اله در آیه‌ای که تلاوت شد فرمود نمونهٔ زنان خوب زن فرعون است. فرمود نمونهٔ زنان خوب مریم است بلکه فرمود مریم و آسیه نمونهٔ مردم خوب هستند.

خلاصهٔ انسان خوب، نمونهٔ انسان‌های دیگر است؛ چه مرد باشد چه زن. خداوند متعال در سورهٔ مبارکهٔ نحل (آیهٔ ۹۷) می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً». اگر کسی دارای جان و عقیدهٔ سالم بود و کارهای صالح انجام داد، زن باشد یا مرد، ما به او حیات طیبه می‌دهیم. در اواخر سورهٔ آل عمران آیهٔ ۱۹۵ (که مستحب است انسان موقعی که برای نماز شب برمی‌خیزد آن جملات را قرائت کند) آمده است: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ اَنِّي لَا اُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ»؛ اگر کسی مؤمن باشد و عمل خیر انجام دهد چه زن و چه مرد، اجر او را ضایع نمی‌کنیم. در سورهٔ مبارکه احزاب (آیهٔ ۳۵) هم مفصلاً مردان و زنان را کنار هم ذکر می‌کند. «اِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْقَانِتَاتِ» بنابراین هرگز خطاب‌های قرآنی به مردان نیست، خطاب به مردم است.

فایدهٔ صلوات بر خاندان پیامبر چیست؟

آن‌ها که نیازی به درود و صلوات ما ندارند.

مرحوم علامه طباطبایی به فردی که چنین سؤالی را مطرح کرده بود پاسخ لطیفی دادند. فرمودند: اولاً صلواتی که ما می‌فرستیم از خودمان چیزی اهدا نمی‌کنیم بلکه به خدا عرض می‌کنیم و از او می‌خواهیم که بر پیامبر و خاندانش رحمت ویژه بفرستد. ثانیاً گرچه این خاندان نسبت به ما محتاج نیستند، به ذات اقدس اله که نیازمندند و باید دائماً فیض الهی بر آن‌ها نازل شود. ما با این صلوات در واقع خود را به این خاندان نزدیک کرده‌ایم. بعد مثال می‌زدند و می‌فرمودند: اگر باغبانی در باغی که همهٔ گل‌ها و میوه‌هایش ملک صاحب باغ است کار کند و از صاحب باغ حقوق بگیرد، روز عید، یک دسته گل از باغ تهیه کند و به حضور صاحب باغ ببرد آیا عمل او موجب تقرب به صاحب باغ هست یا نه؟ مسلماً هست. این عمل نشانهٔ ادب باغبان است. صلوات هم ادب ما را ثابت می‌کند والا ما که از خودمان چیزی نداریم، بلکه از ذات اقدس اله مستلث می‌کنیم بر مراتب و درجات این بزرگواران بیفزاید و همین عرض ادب برای ما تقرب است.